

کتابخانه‌های آموزشی در یونان : گذشته‌ای آشفته، حال حاضری نامشخص و آینده‌ای تردیدآمیز

جرج . دی . بیکاس^۱
پاناگیوتا پادیمیتریو^۲
ترجمه : فرزانه مهری^۳

چکیده: کتابخانه‌های آموزشی در یونان رسماً به عنوان بخشی جداگانه از مدارس تاسیس میشوند؛ بخشی که بطور منظم و سازمان یافته از سال ۱۹۹۵، با استفاده از کارکنان خود با مدارس همکاری و از آن‌ها حمایت میکند. با این حال، گزارش‌ها و قوانین مربوطه از نیمه اول قرن ۱۹ ظاهر شدند. این مقاله به نحوه قوانین ایجاد و بهره‌برداری از کتابخانه‌های آموزشی در یونان از تأسیس دولت یونان تا به امروز می‌پردازد. علاوه بر این، مبنا بر اساس حدود قوانین مربوطه و روش‌های بکار گرفته شده برای پیاده‌سازی آن‌ها گذاشته شده است. در عین حال نگاهی سریع به اولین اقدامات قانونی انجام شده در رابطه با کتابخانه‌های آموزشی در اروپا می‌اندازیم.

© ۲۰۱۳، ناشران، منتشر شده توسط شرکت الزویر^۴ (با مسولیت محدود)

بررسی و مقایسه تحت مسولیت دومین کنفرانس بین المللی اطلاعات یکپارچه

واژه‌های کلیدی: کتابخانه‌های آموزشی، یونان، کتابخانه‌های آموزشی، یونان

۱. Georgios D. Bikos

۲. Panagiota Papadimitriou

۳. کارشناسی ارشد علم‌اطلاعات و دانش‌شناسی گرایش مدیریت IT، پیام نور مشهد

۴. Elsevier

۱) معرفی

"بررسی ادبیات نشان می‌دهد که نه تنها هیچ تاریخ جامع منتشر شده‌ای از کتابخانه‌های آموزشی وجود ندارد^۱، حتی این کتابخانه‌ها در تاریخ کلی آموزش و پرورش و نیز کتابداری نیز تحت پوشش ضعیفی هستند. نویسندگانی که در مورد تاریخ کتابخانه‌های آموزشی بحث می‌کنند، تمایل دارند که نشان دهند که این کتابخانه‌ها پدیده‌های بسیار جدیدتری از آنچه که به نظر می‌رسند هستند. در واقع برخی فکر می‌کنند که این‌ها جزئی از توسعه‌های قرن بیستم می‌باشند. علاوه بر این همانطور که استات اشاره کرد، تاریخ عمومی آموزش و پرورش و نیز تاریخ کتابخانه‌ها و کتابداری هر دو در پوشش توسعه تاریخی کتابخانه‌های آموزشی ضعیف بودند. [با اینحال] کتابخانه‌های آموزشی حداقل از قرن هشتم در مدارس وجود داشتند^۲. این کتابخانه‌های آموزشی اولیه بسیار با کتابخانه‌های آموزشی امروزی متفاوت بودند، همانطور که مدارس امروزی هم با اجداد خود در قرون پیشین متفاوت هستند." [۲] علاوه بر این، این درست است که تا دهه‌های اولیه قرن ۲۰، بهره‌برداری از کتابخانه‌های آموزشی بعنوان شخصیت مدرسه‌ای آن‌ها بسیار کمتر از امروز مورد تأکید قرار می‌گرفت، و بخاطر همین آن‌ها زیاد با آموزش‌های مدارس و خاصیت آموزندگی آن مرتبط نمی‌شدند. دلیل این امر آن است که تا آن زمان، کتابخانه‌های آموزشی اغلب برای اهدافی غیر مرتبط با اهداف آموزشی مدارس (یا با حداقل ارتباط) ساخته می‌شدند؛ به عنوان مثال، برای رفع نیازهای خواندن تفریحی کودکان و نیازهای جامعه محلی [۲].

برای دقیق‌تر شدن روی اینکه اولین بار چه زمانی کتابخانه‌های آموزشی به وجود آمدند و به شکل قانونی مدیریت شدند، لازم به ذکر است که با توجه به نظرات مورخانی که روی قوانین آموزشی مطالعه می‌کنند، اولین قانون مربوط به کتابخانه‌های آموزشی در انگلستان در سال ۱۵۷۸ صادر شد و طبق آن از آن پس هر مدرسه باید یک کتابخانه درون خود ایجاد می‌کرد [۲ و ۳]. "با این وجود، شواهد قابل توجهی وجود کتابخانه در مدارس انگلستان (و در برخی کشورهای دیگر اروپایی) را از حداقل قرن هشتم و در آمریکا را از قرن هجدهم تایید میکند." [۲] اما در مورد کتابخانه‌های آموزشی در ایالات متحده، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آن‌ها توسعه خود را موازی با توسعه کتابخانه‌های عمومی شروع کردند و تا سال ۱۹۱۳ تعداد آن‌ها به ده هزار رسید، ولی تعداد کمی از آن‌ها بیش از ۳۰۰۰ جلد کتاب داشتند. با این حال، اولین کتابدار مدرسه تحصیل کرده، در سال ۱۹۰۰ در کتابخانه آموزشی‌ای در ایالات متحده مشغول به کار شد [۳].

در نتیجه، ما در ابتدا با این تصور روبرو هستیم که اروپا چارچوب قانونی برای پایه و اساس (و بهره‌برداری) از کتابخانه‌های آموزشی را بسیار زودتر از ایالات متحده ایجاد کرد. هرچند به نظر نمی‌رسد وضعیت در تمام کشورهای اروپایی یکنواخت باشد، به عنوان مثال "قدمت تاریخ کتابخانه‌های آموزشی در آلمانیا به قرن ۱۹ می‌رسد، زمانی که آن‌ها به عنوان موضوعات مستقل و متمایز در سیستم آموزش و پرورش سلطنتی اتریشی- مجارستانی تاسیس شدند. کتابخانه‌ها [مخصوصاً مدرسه‌ای] پس از تصویب قوانین ۱۸۷۱ در مورد اصول آموزش و پرورش ابتدایی و مدارس موقت و مقررات آموزشی سال ۱۸۷۰ و مقررات کتابخانه‌های آموزشی سال ۱۸۷۱ تاسیس شدند." [۴] با این حال، در آلمانیا، آن‌ها "به عنوان ابزاری تکمیلی برای آموزش و پرورش بیشتر معلمان" تاسیس شدند و نه به عنوان ابزاری برای پوشش دادن

۱. رجوع کنید به بخش اول پایان نامه کلاید

۲. بطور خاص، در یورک انگلستان

نیازهای دانش‌آموزان. به هرحال، آنچه ما باید به آن توجه داشته باشیم، این است که تصویب قانونی بهره‌برداری از کتابخانه‌های آموزشگاهی به عنوان بخشی از تلاش برای مدرن سازی سیستم آموزش و پرورش به حساب می‌آید. [۴] در تمام کشورها وضعیت اینگونه بود.

۲) بخش اصلی

اجازه دهید نگاهی به تاریخ کتابخانه‌های آموزشگاهی در یونان و تاریخ قوانین حاکم بر آن‌ها از زمان تأسیس دولت یونان به بعد بیندازیم. کتابخانه‌های مهم دریونان از زمان اشغال توسط ترکیه شکل یافتند. این همزمان است با دوره‌ای که روشنفکران با مجموعه‌هایی غنی از کتب (بطور عمدتاً دست‌نوشته)، از آن‌ها حمایت کردند. این است چگونگی تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و اداره آن‌ها در یونان مدرن، از جمله آن‌هایی که در زاگورا^۱، دیمیتراسانا^۲، چیوس^۳، کوزانی^۴ و جاهای دیگر بودند. [۱۰] برخی از آن‌ها نیز به عنوان کتابخانه‌های آموزشگاهی در مدارس مشهور که در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ رونق گرفتند به کار گرفته شدند. (به عنوان مثال کتابخانه‌های آموزشگاهی در منطقه پلوپونیز^۵ در مدارس متوسطه در در زمان اشغال ترکیه آغاز به کار کردند [۱۱]). این کتابخانه‌ها در انتشار روح روشنگری یونانی مدرن نقش داشتند. به عنوان مثال در روشنگری این ایده که آموزش و پرورش به طور مستقیم با فتح آزادی در یک کشور، و همچنین با سطح رفاه عمومی آن ارتباط مستقیم دارد.

با حرکت در تاریخ به سمت سال‌هایی که بعنوان تشکیل دولت یونانی شناخته شدند، متوجه می‌شویم که اولین فرماندار، آی‌کاپودیستریاس^۶ (از سال ۱۸۲۷)، اولویت خود را به آموزش و پرورش ابتدایی و آموزش‌های حرفه‌ای به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای کمک به مردم بی‌سواد و غیرماهر قرار داد. او همچنین کتابخانه آموزشگاهی مرکزی (مدرسه سطح بالاتری متشکل از سه سال تحصیل) در آجینا^۷، جزیره‌ای در نزدیکی آتیکا را تأسیس کرد. این کتابخانه بعنوان کتابخانه آموزشگاهی در نظر گرفته شد، ولی نقش آن با توجه به استفاده از آن بعنوان اطاق مطالعه کار، مرکز توزیع کتاب برای مدارس سراسر کشور و همچنین بعنوان انباری برای قرار دادن کتاب‌های درسی نامناسب به منظور جایگزینی آن‌ها با کتاب‌های مفید، به نقش دیگری تبدیل شد [۱۱]. کتابخانه آموزشگاهی مرکزی، با این حال، تنها کتابخانه آموزشگاهی آن دوره نبود، هرچند کتابخانه‌های دیگر موجود نه تنها به لحاظ عملیاتی کامل نبودند بلکه حتی نمی‌شد آن‌ها را به عنوان یک مکان آموزشی کاربردی به حساب آورد. به عنوان نمونه‌ای برجسته از طرز عملکرد کتابخانه‌های آموزشگاهی در آن زمان می‌توان به کتابخانه آموزشگاهی سیکلیدز^۸ اشاره کرد. از بین چهار کتابخانه آموزشگاهی یونان در کیا^۹، میکونوس^{۱۰}، ناکسوس^{۱۱} و سیفونوس^{۱۲}، سه تای آخر هیچ‌گاه با فضاهای مدرسه‌ای تلفیق نشدند و به

۱. Zagora
۲. Dimitsana
۳. Chios
۴. Kozani
۵. Peloponnese
۶. I. Kapodistrias
۷. Aegina
۸. Cyclades
۹. Kea
۱۰. Mykonos
۱۱. Naxos
۱۲. Sifnos

همین دلیل تقریباً یا کاملاً غیر فعال باقی ماندند. تا آنجا که به یکی از آن‌هایی که در جزیره کیا تاسیس شده مربوط است، هسته از پیش موجود آن از کتاب‌های وارد شده در قرن ۱۷، تنها با کتاب‌های درسی توزیع شده در سراسر یونان غنی شده است. [۱۱]

با این وجود، ایجاد سازمان یافته فرایند مناسب توسعه برای کتابخانه‌های آموزشی چیزی است که روشنفکران آن زمان به وضوح به دنبال آن بودند. نگرش اتخاذ شده توسط همکاران مستقیم فرماندار مانند کنستانداس^۱، جنادیوس^۲ و چیناس^۳، مشخص است. چیناس معتقد بود که کتابخانه‌های آموزشی به طور کامل به فرایند یادگیری متصل شده‌اند و آن‌ها را واقع در ساختمان مدارس متوسطه می‌ساخت، "دانش آموزان می‌توانند، با مطالعه و یا کپی کتاب‌های موجود در مخزن کتابخانه پشتیبانی گردند [۱۱]". کنستانداس و جنادیوس، از سوی دیگر، با پذیرش اینکه "تلفیق یک کتابخانه نیاز به مقدار زیادی از منابع مالی دارد"، معتقد بودند که ایجاد تنها یک کتابخانه آموزشی مرکزی که همچنین به سایر استان‌ها خدمت کند، کافیت. برای غنی ساختن آن، دولت باید یک یا دو اروپایی اندیشمند را مورد خطاب قرار دهد تا شاید آن‌ها تصمیم بگیرند که آثارشان را با کتابخانه به اشتراک بگذارند [۱۱].

با این حال، کاپودیستریاس به قتل رسید و دیدگاه او برای یک سیستم آموزش و پرورش پاسخگو به نیازهای آن، با به تاج و تخت رسیدن اولین پادشاه یونان، باواریا اتو^۴ (از سال ۱۸۳۳) از بین رفت. با وجود این، اراده به ایجاد و راه اندازی کتابخانه‌های آموزشی در یونان خیلی زود مطرح شده بود - تقریباً از ابتدای وجود دولت یونانی مدرن و در حالی که دیگر اصلاحات آموزشی تحت تاثیر سیستم باواریا عملی می‌شدند. به نظر می‌رسد که اهمیت دادن آن‌ها به عملکرد صادقانه و موثر آموزش و پرورش، سنگ بنای دولت جدید، شناخته شد. بنابراین، بخاطر همین نگرانی دولت در مورد سیستم آموزش و پرورش، تصمیم دولت برای اولین بار به ایجاد کتابخانه‌های آموزشی پس از فرمان سلطنتی در سال ۱۸۳۵ [۱۲]، که در مورد ایجاد کتابخانه‌هایی در مدارس کشور "برای مورد استفاده قرار گرفتن هم توسط معلمان و هم توسط دانش آموزان" بود، گرفته شد. همچنین حکمی برای انتصاب یک فرد "به طور موقت" بعنوان مسئول کتابخانه آموزشی صادر شد. فردی مثل مدیر مدرسه مربوطه. این اشاره به موقت بودن این انتصاب، انعکاس دهنده قصد دولت به پرداختن بیشتر به موضوع این کتابخانه‌ها در آینده به طور خاص است. بنابراین، حتی این قصد دولتی که ما می‌بینیم، اگر دیدگاه ما در مورد این انتصاب موقت صحیح باشد، دلالت بر یک نگرش مثبت در بخشی از دولت برای رسیدگی به کارکرد و مدیریت کتابخانه‌های آموزشی به شیوه‌ای نظام‌مند دارد. احتمال دیگر این است که این حرکت برای جلوگیری از واکنش مدیران مدارس انجام شده بود. اما در آن سال‌ها بعید بود که یک مقام دولتی یا کارمند به مقاصد دولتی بیان شده توسط قانون واکنش نشان دهد. همان طور برای منابع کتابخانه‌های آموزشی تحت فرمان مذکور نیز قوانینی صادر شد، مبنی بر اینکه این منابع از کتابخانه مرکزی به صورت امانی به این کتابخانه‌ها بیایند. واقعیتی که از یک طرف بخاطر کمبود زمان دیکته شده بود ولی از طرف دیگر باعث محدودیت در خودکفایی کتابخانه‌ها می‌شد [۱۵]. این امکان فراهم شد که کتابخانه مدارس ابتدایی با حضور مقامات مربوطه توأم باشد.

۱. Konstandas

۲. Gennadios

۳. Schinas

۴. Bavarian Otto

(توجه داشته باشید که مسئولیت مقامات محلی برای مدارس و کتابخانه‌ها، قبلا به طور رسمی در سال ۱۸۳۳ تحت یک فرمان سلطنتی صادر شده در ۲۶ آوریل و ۸ می با عنوان "مسئولیت‌های روسا و ادارات استانی"، برقرار بود که این قانون اظهار می‌داشت که روسا درباره هر گونه مسائل مربوط به مدارس و ایجاد کتابخانه مسئول خواهند بود - اما مشخص نمی‌کرد که آیا منظور از این کتابخانه، کتابخانه آموزشی است یا کتابخانه‌های عمومی).

علاقه اولیه در کتابخانه‌های آموزشی، که منجر به فرمان مذکور شد، از دو جنبه مشتق شده است، از یک طرف، از سنت دوران پیش از انقلاب و در دوره مشخص شده توسط حکومت کاپودیستریاس و از سوی دیگر، از درک باواریا در مورد اهمیت آن‌ها. همچنین چیزی که در این بین نقش مهمی بازی کرد، ورود دانشمندان یونانی ساکن خارج، به داخل کشور بود که همراه خود ایده‌های جامعی را درباره ارزش کتابخانه‌ها و نیاز به آن‌ها برای تاسیس دولت ملی مدرن، به ارمغان آوردند. با این چهارچوب که یک کتابخانه ملی مرکزی در راس یک سیستم کتابخانه‌ای محلی، تخصصی، و مدرسه‌ای بعنوان ابزاری برای آموزش مردم بکار گرفته شود [۱۳] بنابراین، قصد ایجاد کتابخانه‌های آموزشی، پیش نیازهای فیزیکی لازم در فعالیت‌های چاپ و نشر گسترده و ارتقا پر شور آن در آینده را آشکار ساخت. یونانیان و دوستان آن‌ها در آن زمان کتاب‌هایی را که هسته کتابخانه ملی و کتابخانه‌های آموزشی را تشکیل می‌دادند، ارائه می‌دادند [۱۳]. بنابراین، قصد مثبت برای ایجاد کتابخانه‌های آموزشی با ارسال کتاب به مدارس دنبال شد [۱۴].

این فرمان سلطنتی ساده و در عین حال در زمان خود پیشرو، که به منزله یک نمونه اولیه از تلاش برای تقویت نهاد کتابخانه‌های آموزشی بود چه نتیجه‌ای در بر داشت؟ آینده این عمل که با ذهنیت خوش و در عین حال ناپخته "ما تصمیم می‌گیریم و فرمان می‌دهیم" (بدون در نظر گرفتن مشکلات واقعی مکان و زمان) شروع شده بود چه بود؟ رجنت آرمانسبرگ^۱ که این قانون را امضا کرده بود، از عبارت "ما امر می‌کنیم" استفاده کرده بود تا به مردم یادآوری کند که فقط چیزهای خاصی می‌توانند بدون دستور انجام نشوند، نه همه چیز [۱۵]. آن خوش‌بینی ناپخته با این حال که شاخص طرز تفکر فرمان سلطنتی ۱۸۳۵ بود، در فرمان زیر که در سال ۱۸۵۵ در مورد کتابخانه‌های آموزشی صادر شد به چشم نمی‌خورد [۱۶].

آن فرمان نیز به طور خاص برای ایجاد کتابخانه‌های آموزشی طرح شده بود، اما بتدریج و فقط در مدارس متوسطه، در همان زمان، اشاره دقیق به انبارها، ثبت نام ویژه، و اندازه‌گیری‌هایی برای حفاظت از منابع هر یک از کتابخانه‌ها از حذف یا آسیب، نشان‌دهنده برخی از مشکلات موجود در آن زمان است. علاوه بر این، این جزئیات منعکس کننده یک فضای خاص و نگرش قانون‌گرایانه است که نسبت به ارتقا عملکرد کتابخانه‌های آموزشی با مداخله‌ای قاطع، زیاد موافق نبود. این قانون، با این حال، در عمل درست مثل قوانین دیگر صادر شده در دهه‌های بعد غیر قابل اجرا باقی ماند. این واقعیت کسانی را که تاریخ آموزش یونان را مطالعه می‌کنند متعجب نمی‌کند زیرا قوانین آموزشی یونان معمولا با یک سری از تلاش‌های اصلاحی برای لغو یکدیگر همراه بودند. و همواره در عمل با شکست مواجه بودند [۱۸].

با اعمالی مشابه این، که هرگز قابل درک نبودند، دولت اغلب مقاصد خود را با توجه به ایجاد و بهره‌برداری نرم از کتابخانه‌های آموزشی بیان می‌کرد. بنابراین، در قرن ۲۰، قوانین ۱۹۳۱/۵۰۴۵، ۱۹۳۳/۵۹۱۱ و فرمان سلطنتی ۲۱/۱۵ ژانویه ۱۹۴۹ اذعان داشتند که هر مدرسه باید کتابخانه آموزشی خود را ایجاد نماید. در سال ۱۹۷۰ یک اقدام جدید (در دایره ۲۰/۲۱۳۲۶-۲۰-۱۹۷۳ از وزارت آموزش و پرورش [۴]) اظهار داشت که

۱. Regent Armansperg

"تمام کتابخانه‌های آموزشگاهی، چه آن‌هایی که وجود دارند و چه آن‌هایی که در حال ساخت هستند، باید به طور کامل تجهیز شوند...". همه این‌ها، با این حال، غیر قابل اجرا، در پس توسعه تحریف شده نظام آموزشی یونانی، بی اثر و محصور در اسباب و لوازم گرد و خاکی، و یا، در بهترین شرایط باقی ماند. در اتاق‌های گرد و خاکی، اغلب با مجموعه‌های به دنبال فرصت خودنمایی باقی ماندند. در واقع بسیاری از آن‌ها فقط گاهی اوقات مورد استفاده قرار می‌گرفتند، و این نیز تنها به لطف کار داوطلبانه‌ی افرادی که به آموزش و پرورش معتقد بودند انجام می‌شد. اینگونه می‌توان فهمید که در آن سال‌ها و تا به امروز این کتب که منابع کتابخانه‌های آموزشگاهی را شکل می‌دهند، به جای اینکه در انبار کتابخانه آموزشگاهی‌ها باشند، در قفسه‌ها و کمد‌های دفتر معلمان و مدیران (معمولاً قدیمی) جا خوش می‌کرده‌اند. با این حال آنچه که ما باید درباره پدیده مذکور که در یونان اتفاق می‌افتاد و کتابخانه‌ها را تبدیل به یک کمد یا قفسه کتاب در گوشه‌ای از مدرسه می‌کرد بدانیم این است که مورخانی در این زمینه وجود داشتند - نه از منطقه یونان - که نظرشان در مورد توسعه نهاد کتابخانه‌های آموزشگاهی در سطح جهان بر تبدیل "دو قفسه کتاب در کمد در یک گوشه" به "مرکز مدرن کتابخانه آموزشگاهی‌ای" بود. کینگ^۱ به عنوان مثال، یک الگوی پنج مرحله‌ای برای توسعه کتابخانه‌های آموزشگاهی مشخص کرد:

۱. مجموعه کوچک از کتاب در کلاس‌های درس.
 ۲. مرحله "انبار" با استفاده از کتب ذخیره مرکزی (معمولاً در یک کمد)، و با یک معلم مسئول که بطور منظم در آنجاست.
 ۳. اتاق کتابخانه بدون کتابدار مسئول.
 ۴. اتاق کتابخانه با کتابدار مسئول.
 ۵. و کتابخانه‌ای که به عنوان بخشی از آموزش و فرآیند یادگیری در مدرسه "برنامه ریزی" شده است.
- "[۲۰]"

با توجه به وضعیت موجود در یونان، متوجه می‌شویم که موضوع کتابخانه‌های آموزشگاهی پس از دهه ۸۰ بطور جدی‌تری مورد پیگیری قرار گرفت، زمانی که کتابخانه‌های آموزشگاهی در بحث‌های سیاست‌های آموزشی کشور وارد شدند. علاوه بر این، ماده ۴۳ قانون ۱۹۸۵/۱۵۶۶ مربوط به آموزش و پرورش - که برای ۱۵۰ سال متوالی پس از اولین تصویب در سال ۱۸۳۵ هر سال مجدداً تمدید شد - که می‌گوید "در هر مدرسه ابتدایی و متوسطه یک کتابخانه آموزشگاهی وجود دارد" به همراه بقیه قوانین مربوط به کتابخانه‌های آموزشگاهی عمدتاً بدلیل عدم پرداخت تخصصی به آن‌ها در احکام بعدی در ریاست جمهوری همان‌طور مبهم و نامشخص باقی ماندند.

با مقایسه قانون ۱۹۸۵ با آنچه که در ۱۸۳۵ منتشر شد، در می‌یابیم که این نیز دقیقاً با همان جو خوشبینانه ناپخته و بدون هیچ‌گونه آینده‌نگری واقع بینانه‌ای منتشر شده است. کتابخانه‌های آموزشگاهی بعنوان یک بخش اساسی از سیاست‌های آموزشی در نظر گرفته نشدند و عملکرد آن‌ها با برنامه‌های درسی ناسازگار باقی ماند. برنامه‌هایی که معتقد به ایده استفاده از یک کتاب برای هر موضوع بودند - و هنوز هم هستند - [۲۱]. در نهایت این وضعیت با پیشرفت قرن بیست و یکم در حال تغییر است. بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ مجموعاً ۴۹۹ کتابخانه آموزشگاهی در مدارس متوسطه (در بین ۳۴۶۰ مدرسه در این سطح) با هدف ایجاد یک الگوی متعادل تخصیص جغرافیایی در سراسر کشور تاسیس شد. این برنامه توسط چهارچوب حمایتی

"جامعه دوم" و منابع ملی تامین شده بود. کتابخانه‌های آموزشی که بطور رسمی تاسیس شده بودند و می‌توانستند نقش مهمی در نوسازی آموزش و پرورش یونان داشته باشند، بطور مناسب برای دسترسی آسان و مستقل جانمایی شدند و با منابع مدرن و زیر ساخت‌های فنی تجهیز شدند و با حدوداً ۶۰۰۰ عنوان که همچنین شامل ۱۰۰ عنوان منابع سمعی و بصری و ۱۰ اشتراک مجله بود غنی شدند. این مهم بود که متنی با مشخصات جزئی ویژه درباره منطقه و امکانات کتابخانه‌های آموزشی تهیه شده بود. منابع آن‌ها در یک ثبت ویژه ثبت شده بود. ۴۹ کتابدار برای پشتیبانی از عملکرد آن‌ها در سطح مرکزی وزارت آموزش و پرورش استخدام شدند و ۴۵۰ معلم برای جذب این کتابداران بصورت تمام وقت آموزش دیدند. در نهایت ۱۹ خودرو (کتابخانه سیار^۱) برای خدمت به مناطق دور افتاده خریداری شد. این شبکه در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ با ساخت ۲۶۶ کتابخانه آموزشی از طریق سومین کارگروه پشتیبانی از جامعه (که در نهایت از بین آن‌ها ۲۵۸ عدد در حال کار هستند) گسترش یافت. مجموعه اصلی آن‌ها با ۶۰۰۰ عنوان، توسط یک کمیته کتابخانه‌ای (در واحد مدرسه) از یک لیست ۱۳۴۱۸ عنوانی تایید شده انتخاب شد. [۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵]

هدف از توسعه کتابخانه‌ها در مدارس، با توجه به اظهارات مقامات رسمی، "بروزرسانی فرآیند آموزش، به ویژه با هدف کمک به معلمان برای آماده سازی مباحث درسی‌شان و آموزش دانش‌آموزان برای استفاده از منابع اطلاعاتی خارج از کتاب‌های درسی و بالطبع معرفی آن‌ها به پروسه خودآموزی با کمک منابع اطلاعات الکترونیکی (مانند لوح فشرده^۲ و اینترنت) و تحقیقات در حال توسعه و مهارت‌های تجزیه و تحلیل نقادانه"^۳ میباشد. [۲۴]

در سال‌هایی که کتابخانه‌های آموزشی در حال فعالیت بودند، بعنوان بخشی جدایی ناپذیر از مدارس کمک قابل توجهی به آموزش و پرورش یونان کردند. مراکزی چندرسانه‌ای و اطلاعاتی و جایی که نوآوری‌های آموزشی در آنجا به کار گرفته شد و خلاقیت‌های دانش‌آموزی در آن شکوفا شد. ایجاد اتاق‌های مطالعه، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات^۳ و جستجو در وب، به اشتراک گذاری کلاس‌ها بین معلمان، پشتیبانی از پروژه‌ها و منابع، شرکت در طرح‌های ابتکاری _ مانند برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزش سلامت، همسان‌گزینی الکترونیکی و غیره _، برنامه‌های ترویج خواندن و همچنین کلپ‌های کتابخوانی، سازماندهی رویدادها (مثل ملاقات با نویسندگان و دانشمندان، رویدادهای موسیقایی، نمایشگاه‌های کتاب، اجراهای تئاتر، دیدن فیلم/ویدئو، مسابقات نقاشی، معرفی موزه‌ها، انتشار مجلات مدارس و سمینارهای یک روزه) برخی از فعالیت‌هایی هستند که از طریق کتابخانه‌های آموزشی توسعه یافتند. [۲۶]

با این حال شرایط نامساعد یک بار دیگر اجازه رشد و شکوفایی را به کتابخانه‌های آموزشی نداد و این بار به علت مشکلات عمومی مربوط به خود آن‌ها نبود [۲۷] که اگر بود شاید می‌شد آن‌ها را از سر راه برداشت، این بار شرایط رکود اقتصادی منجر به اختلال در عملکرد کتابخانه‌های آموزشی شد. به طور خاص از سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ تعداد ۲۰۸ کتابخانه از مجموع ۷۵۷ کتابخانه آموزشی از کار ایستادند زیرا معلمی به عنوان مسئول به آن‌ها فرستاده نشده بود. بدتر از آن در سال تحصیلی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ طبق دستور وزارت آموزش و پرورش دیکته شد که تجهیزات و زیرساخت‌های فنی آن‌ها بازگردانده شود و معلمان مسئول آن‌ها _مخصوصاً آموزش دیده و باتجربه_ به تحویل کلیدهای خود و بازگشت به موقعیت‌های تدریس قبلی

۱. Mobile library

۲. CD.ROM

۳. ICT

خود فراخوانده شدند. در مقابل معلمان خاصی برای مسئولیت کتابخانه‌های آموزشگاهی منصوب شدند، در واقع برای تکمیل جدول زمانی تدریس خود، بدون نیاز به آموزش و یا حتی تمایل به انجام این کار، فقط برای تکمیل جدول زمانی تدریس خود. علاوه بر این آن‌ها تنها ساعت‌های آموزشی را که برای پر کردن جدول زمانی آموزشی‌شان لازم بود را در آن‌جا می‌گذراندند (مثلا ساعت-های ۴۰ دقیقه‌ای) این یعنی ۴ ساعت تدریس در هفته. بنابراین در سال تحصیلی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ کتابخانه‌های آموزشگاهی نهایتاً دو سه ساعت در روز یا دو بار در هفته باز بودند. بنابراین بدیهی و واضح است که آن‌ها بطور منظم کار نکردند و عملکرد آن‌ها یکبار دیگر بستگی به پیشنهادهای داوطلبانه کار افرادی که هنوز به آن‌ها اعتقاد داشتند پیدا کرد. با درک اشخاص حقیقی و پایداری و شخصیت افرادی که در کتابخانه‌های آموزشگاهی کار می‌کنند، و آن‌هایی که به نحوی با این مکان‌ها درگیر هستند به نقش مهم آن‌ها در توسعه یک موسسه مثل کتابخانه مدارس پی می‌بریم، بخصوص زمانی که چهارچوب‌های نهادی ضعیف هستند و سیاست‌های اعمال شده دولت در مورد کتابخانه‌های آموزشگاهی وجود ندارد و یا ناکافی است. این، واقعیتی است انکار ناپذیر در اکثر رویدادهای جهانی.

در مارکوارت^۱ یک مرجع مشخص به اشخاص حقیقی و شبکه‌های رسمی ایجاد شده توسط آن‌هایی که در کتابخانه‌های آموزشگاهی مشارکت داشتند وجود دارد. "فقط بخشی از اهدافی که در بیانیه ایفلا-یونسکو^۲ (درباره کتابخانه‌های آموزشگاهی) مشخص شده به تحقق می‌رسد و این به خاطر کمبود منابع مختلف (مانند مجموعه‌ها، فضا، تجهیزات و کارکنان) است." با وجود این، تعداد شیوه‌های اجرایی عالی که در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی، در پروژه‌های محلی و ملی مورد استفاده قرار می‌گیرند رو به افزایش است. و بالاتر از همه این‌ها تعهد و شور و شوقی است که در خود فعالان این حوزه وجود دارد [۲۸].

البته واقعیت سیاست ذکر شده وزارتخانه در مورد کتابخانه‌های آموزشگاهی و کارکنان آن‌ها به شدت و به تلخی در مطبوعات و توسط کسانی که مسئول کتابخانه‌های آموزشگاهی و سازمان‌ها و نهادهای مربوطه می‌باشند به نقد کشیده شد: واقعیتی که نشان می‌دهد عموم مردم و کسانی که در آموزش و پرورش و کتابخانه‌ها نقش دارند، چقدر نسبت به مساله کتابخانه‌های آموزشگاهی حساس هستند. برخی از سرفصل‌ها در این زمینه عبارت‌اند از: کتابخانه‌های آموزشگاهی باید بسته شوند/ کتابخانه‌های آموزشگاهی، زمانی برای غیر فعال شدن/ آیا ما به کتابخانه‌های آموزشگاهی نیاز داریم؟/ تمام ۷۰۰ کتابخانه آموزشگاهی باید تعطیل شوند/ کتابخانه‌های آموزشگاهی در حال تعطیلی هستند/ فریاد اضطراب از مسئولین/ به امید منسوخ شدن کتابخانه‌های آموزشگاهی و

۳) نتیجه گیری

اگر حال و هوای کنونی کتابخانه‌های آموزشگاهی اینقدر نامشخص است، در مورد آینده آن‌ها چه میتوان گفت؟ با این حال این معمولا گفته می‌شود که یک جامعه مدرن نیاز به آموزش خوب دارد که این گفته در مواقع بحرانی به مراتب رنگ و بوی بیشتری می‌گیرد. و به همین دلیل همه موافقند که کتابخانه‌های آموزشگاهی برای حمایت از آن آموزش لازم است.

۱. Marquardt

۲. IFLA-UNESCO

بر اساس اظهارات وزارت آموزش و پرورش یونان "نهاد کتابخانه‌های آموزشی، از آموزش و افزایش یادگیری، فراتر از چهارچوب‌های سنتی آموزش و در راهی که برای استانداردهای یونان نوآورانه است، حمایت می‌کند فرد تشویق می‌شود که خود را به محتویات کتاب‌های سنتی محدود نکند و به دنبال اطلاعات در منابع دیگر هم باشد. در جامعه مدرن دانش و اطلاعات، بسیار مهم است که دانش‌آموزان با فرآیند اطلاعات در هر مرحله از زندگی روزمره خود آشنا باشند و نه تنها به عنوان بخشی از آموزش به آن بنگرند. همین طور که زمان می‌گذرد، کتابخانه‌های آموزشی به عنوان یک بخش ضروری از واقعیت‌های آموزشی توسعه می‌یابند، از مدل‌های سنتی کتابخانه‌های قرض دهنده کتاب دور می‌شوند و به یک نقش مهم جدید که همان تکمیل و حمایت از تدریس در کلاس درس می‌باشد دست می‌یابند. [۲۵]"

و در جایی دیگر این چنین آمده "کتابخانه‌های آموزشی در واقع تاسیس شدند برای استفاده به عنوان :

* (برای دانش‌آموزان) مکانی برای یادگیری، مطلع شدن، آشنا شدن با کتاب و جامعه اطلاعاتی.

* (برای معلمان) یک منبع اطلاعات و ابزاری سودمند برای طراحی روش‌های یادگیری جدید.

* (برای سیستم‌های آموزشی) یک کانال برای ترویج یک محیط آموزشی برای تغییر و اصلاح برنامه‌های درسی از طریق ادغام کتابخانه‌های آموزشی. چیزی که باقی می‌ماند، تحقق و اجرای نقش کتابخانه‌های آموزشی به عنوان ابزارهای آموزشی گنجانده شده در گام‌های آموزشی متفاوت و برجسته شدن بعنوان یکی از موثرترین ابزارهای آموزشی می‌باشد. [۳۰] واقعیت این است که مطالعات بسیاری در کشورهای مختلف انجام شده و ثابت کرده که رابطه مستقیمی بین کتابخانه‌های آموزشی و پیشرفت تحصیلی - و حتی پیشرفت شخصی [۳۱] - دانش‌آموزانی که از آن‌ها استفاده می‌کنند [۳۲] وجود دارد. بویژه هنگامی که افرادی که بعنوان مسئول برای آن‌ها انتخاب می‌شوند آموزش دیده باشند و همکاری سازنده‌ای بین آن‌ها و معلمان مدارس وجود داشته باشد. بیایید یک جمع‌بندی کنیم: "آیا فرزندان ما برای چالش‌های آینده خود آماده هستند؟ آیا مدارس ما می‌توانند آن‌ها را برای آن چالش‌های پیش‌رو آماده کنند؟ مرکز بورسیه بین‌المللی در کتابخانه‌های آموزشی معتقد است که مدارس بدون کتابخانه‌های آموزشی نمی‌توانند به این نسل به نوعی آموزش دهند که آن‌ها را برای تحصیل و کار در قرن ۲۱ و زندگی در جامعه جهانی دیجیتالی آماده کنند. از میان برداشتن کتابخانه‌های آموزشی راه حل مناسبی نیست. اکنون بیش از هر زمان دیگری، کتابخانه‌های آموزشی تبدیل به بخش جدایی‌ناپذیر آموزش با کیفیت و آموزش در مدارس قرن بیست و یکم شدند. [۳۴] بنابراین به تئوری پیش‌انقلابی و در عین حال بدون زمان آدامانتئوس کوریس "تصرف آموزشی" که توسط دیگر اثبات‌های تلخ و شیرین او تکمیل می‌شود برمیگردیم "آموزش دادن به مردم کار وقت‌گیری است" [۳۵].

منابع

- [1] Clyde, L. A. (1981). The magic casements: a survey of school library history from the eighth to the twentieth century. PhD thesis, James Cook University <http://eprints.jcu.edu.au/2051/> (recovered on 13-8-12)
- [2] Clyde, L. A. (2002). The Schole Lybrarie: Images From Our Past <http://www.iaslonline.org/my/search/?s=Laurel+A.+Clyde> (recovered on 13-8-12)
- [3] Muller, K. (2011). First School Library? <http://www.americanlibrariesmagazine.org/ask-ala-librarian/first-schoollibrary> (recovered on 13-8-12)
- [4] Kuić, I. (2009). School reform during the second Austrian administration in Dalmatia, and primary school libraries http://hrcak.srce.hr/index.php?show=clanak&id_clanak_jezik=58387 (recovered on 12-8-12)
- [5] Papadopoulos, D. (2012). Evolution of legislation of school libraries from 19th century until now and its relation to Greek reality, dissertation project, TEI of Athens, department of Library Science and Information Systems [in Greek]
- [6] Dalakoura, E., Bota, D. (2009). Secondary education libraries at Etoloakarnania: History and law framework, dissertation project, TEI of Thessaloniki, department of Library Science and Information Systems [in Greek]
- [7] Papazoglou, A. (1998). School Libraries in Greece: A State-of-the-Art Report <http://www.iaslonline.org/pubs/slwlwslw7july98.html> (recovered on 12-8-12)
- [8] Bikos, G. D. (2011a). Research on School Libraries in Greece and Suggestions on its Further Development. http://pubs.idas.org/aipm/index.php?option=com_k2&view=item&id=16:proceedings-icininfo-2011&Itemid=61 (recovered on 22-8-12)
- [9] Bikos, G. D (2011b). Research field of school libraries: Registration of its data and its perspectives. *Libraries & Information*, 23, 32-37.[in Greek]
- [10] Kokkinis, S. (1974). Elementary school libraries in Greece. Athens [in Greek]
- [11] Geledaki, S.. (1998). Provision of knowledge during the Kapodistrian era. Curricula and textbooks. Doctorate thesis. Athens: issued by University of Athens [in Greek]
- [12] Royal Decree, 8(20)/11/1835, official gazette 20/16-12-1835: "About structuring public libraries in every state school." [in Greek]
- [13] Sklaventis, T. (1989). The library of University of Athens (19th century), In Minutes of international symposium (vol. A'), University: Ideology and Paideia, 113-119, Αθήνα [in Greek]
- [14] Declaration of the Secreteriat of Ecclesiastics and Public Education, 29/11/1835, official gazette 21/22-12-1835: About the type and quantity of supplied books by the state to public schools." [in Greek]
- [15] Delopoulos, K. (1989). "At every primary and secondary school operates a school library." A law from 1835 that has almost never changed after 154 years... *Routes in children's literature*, 13, 10-15. [in Greek]
- [16] Royal Decree, 28/10/1855, official gazette 46/3-12 1855: "About distribution of bought or donated books." [in Greek]